



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۲۶

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت

بعد از مشخص شدن روش و منهج فقیه، بنابر مسلک «حق الطاعة» و مسلک «قیح العقاب بلا بیان»، در درس‌های گذشته، در این درس وارد بحث از ادله محرز می‌شویم. که ابتدا با بیان تقسیماتی که برای ادله محرز صورت گرفته است، محور اساسی مباحث مربوط به ادله محرز را بیان می‌نماییم. این مباحث در دو محور دلیل محرز عقلی و شرعی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در ابتدا دلیل شرعی محرز را در سه محور مورد بحث قرار خواهیم داد که در این درس، محورهای بحث از دلیل شرعی بیان می‌گردد.

تقسيم البحث في الأدلة المحرزة

يعتمدُ الفقيهُ في عملية الاستنباطِ على عناصرَ مشتركة تُسمَّى بالأدلة المحرزة كما تقدّم، و هي: إمّا أدلة قطعية، بمعنى أنّها تُؤدّي إلى القطع بالحكم فتكونُ حجةً على أساس حجة القطع الناتج عنها، و إمّا أدلة ظنية و يقوم دليل قطعيّ على حجّيتها شرعاً، كما إذا علمنا بأنّ المولى أمرَ باتّباعها فتكونُ حجةً بموجب الجعل الشرعيّ.

و الدليلُ المحرّزُ في الفقه سواء كان قطعياً أو لا ينقسم إلى قسمين:

الأوّل: الدليلُ الشرعيّ. و نعى به: كلّ ما يصدرُ من الشارع ممّا له دلالة على الحكم، ككلام الله سبحانه أو كلام المعصوم. الثاني: الدليلُ العقليّ. و نعى به: القضايا التي يدركها العقل و يمكن أن يُستنبطَ منها حكم شرعيّ كالقضية العقلية القائلة بأنّ إيجاب شيء يستلزم إيجاب مقدّمته.

و القسمُ الأوّلُ ينقسمُ بدوره إلى نوعين:

أحدهما: الدليلُ الشرعيّ اللفظيّ، و هو كلامُ المعصوم كتاباً أو سنةً.

و الآخر: الدليلُ الشرعيّ غيرُ اللفظيّ، و يتمثّل في فعلِ المعصوم سواء كان تصرفاً مستقلاً، أو موقفاً إمضائياً تجاه سلوك معيّن، و هو الذي يُسمّى بالتقرير.

و البحثُ في هذا القسمِ بكلا نوعيه تارة يقع في تحديد دلالات الدليل الشرعيّ، و أخرى في ثبوت صغراه، و ثالثة في حجّية تلك الدلالة و وجوب الأخذ بها. ففي الدليل الشرعيّ إذاً ثلاثة أبحاث.

و لكن قبل البدء بهذه الأبحاث على الترتيب المذكور، نستعرضُ بعضَ المبادئ و القواعد العامّة في الأدلة المحرزة.

ادله محرزه

در این بحث می‌خواهیم فهرست عامی برای بحث ادله محرزه بیان نماییم. قبلاً بیان شد که ادله‌ای که فقیه در استنباط حکم شرعی به آن‌ها اعتماد می‌کند بر دو قسم است:

قسم اول: ادله محرزه

قسم دوم: اصول عملیه

اکنون می‌خواهیم وارد بحث ادله محرزه شویم. بحث دامنه‌داری که استنباط مبتنی بر کشف واقع، منوط به آن می‌باشد. ادله محرزه، ادله‌ای هستند که در صدد کشف حکم واقعی می‌باشند و می‌خواهند پرده از واقع بردارند. این ادله به دو قسم تقسیم می‌شوند:

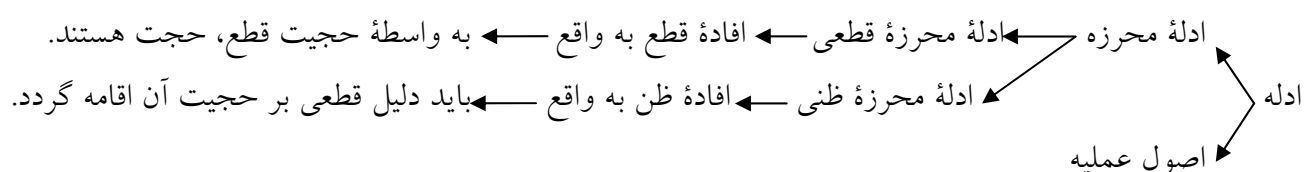
۱. **دلیل محرز قطعی:** برخی از ادله محرزه، افاده قطع به واقع می‌کنند که این دسته، به واسطه حجیت قطع، حجت هستند. از آن‌جا که حجیت قطع، حجیت کامل و بی نیاز از دخالت شارع مقدس می‌باشد، در ادله محرزه قطعی، هیچ مجالی برای دخالت شارع وجود ندارد و شارع نه می‌تواند برای این ادله، اثبات حجیت کند و نه می‌تواند از آن‌ها نفی حجیت نماید.

نکته: ادله محرزه قطعی، اساساً ادله‌ای هستند که قطع به حکم و یا عدم آن را افاده می‌کنند و فرقی نمی‌کند که این قطع به حکم، یا عدم حکم، حکم واقعی باشد یا حکم ظاهری. مثلاً اگر با ادله محرزه، فقیه، یقین به وجوب دعا عند رؤیه الهلال کند، این ادله، ادله محرزه قطعی هستند و همچنین است اگر یقین به عدم وجوب دعا عند رؤیه الهلال پیدا نماید؛ حتی اگر از طریق ادله محرزه، یقین به ثبوت استصحاب که یک حکم ظاهری است، پیدا شود، باز هم این ادله حجیت استصحاب، ادله محرزه قطعی قلمداد می‌شوند. خلاصه این‌که ادله محرزه قطعی، ادله‌ای هستند که قطعی را برای مکلف افاده نمایند، خواه متعلق این قطع، ثبوت تکلیف باشد یا عدم آن، یا خواه این تکلیف مقطوع به حکم ظاهری باشد یا حکم واقعی.

۲. **دلیل محرز ظنی:** برخی از ادله محرزه، افاده ظن به واقع می‌کنند و از این جهت که افاده ظن به واقع می‌کنند و کشف ناقص دارند، نیازمند دستگیری شارع هستند و شارع مقدس باید این کشف ناقص آن‌ها را تکمیل و تتمیم نماید.

نکته: برای اثبات حجیت ادله ظنی، نیازمند به دلیل قطعی بر حجیت هستیم و حتماً باید دلیل قطعی بر حجیت دلیل ظنی اقامه گردد والا مبتلا به تسلسل خواهیم شد؛ زیرا اگر بخواهد بر حجیت یک دلیل ظنی، دلیل ظنی دیگری اقامه شود، خواهیم پرسید که این دلیل ظنی دوم بر چه اساسی حجت می‌باشد و هکذا در مورد دلیلی که بر حجیت این دلیل ظنی دوم اقامه شود، همین سؤال پیش می‌آید؛ بنابراین، باید ادله ظنیه علی‌رغم این‌که خود، مفید ظن هستند، پشتوانه‌ای از قطع داشته باشند و بر همین اساس گفته می‌شود که ادله، یا خود قطعی‌اند و یا پشتوانه‌ای از قطع دارند.

FG



تطبیق:

يعتمدُ الفقيهُ في عمليةِ الاستنباطِ على عناصرٍ مشتركةٍ تُسمَّى بالأدلةِ المحرزةِ كما تقدَّم، فقيه، در فرآیند استنباط حکم شرعی، بر عناصر مشترکی اعتماد می‌کند و همان‌گونه که در درس‌های قبل گذشت به آن‌ها ادلهٔ محرزه گفته می‌شود؛

و هي: إمَّا أدلةٌ قطعيةٌ، بمعنى أنَّها تُؤدِّي إلى القطعِ بالحكم فتكونُ حجةً على أساسِ حجيةِ القطعِ الناتجِ عنها^۱، این ادله بر دو قسم هستند: یا ادله‌ای قطعی هستند، به این معنا که این ادله، افادهٔ قطع به حکم می‌کنند و منجر به قطع به حکم می‌شوند؛ پس حجیت این ادله بر اساس حجیت قطعی است که از این ادله ناشی می‌شوند؛ و إمَّا أدلةٌ ظنيةٌ و يقومُ دليلٌ قطعيٌّ على حجيتها شرعاً، كما إذا علمنا بأنَّ المولى أمرَ باتباعها فتكونُ حجةً بموجبِ الجعلِ الشرعيِّ.

یا این ادله، ادلهٔ ظنیه هستند که دلیل قطعی بر حجیت آن‌ها از ناحیهٔ شرع، اقامه شده است. مانند زمانی که به امر شارع مقدس به تبعیت از ادلهٔ ظنیه، علم پیدا کنیم. (مثلاً شارع مقدس فرموده است: «صدق العادل» یا فرموده است: «يجب عليك العمل بما يخبر لك الثقة»)^۱ پس این ادلهٔ ظنی به سبب جعل حجیت از جانب شارع، حجت شرعی خواهند بود.

Sco۱: ۰۹:۳۳

تقسیم ادلهٔ محرزه به شرعی و عقلی

در یک تقسیم بندی ادله محرزه را بر دو قسم قطعی و ظنی تقسیم کردیم حال تقسیم بندی دیگری را برای ادله محرزه بیان می‌کنیم.

ادلهٔ محرزه چه قطعی باشند و چه ظنی باز بر دو قسم هستند:

قسم اول: دلیل محرز شرعی

هر دلیلی که دارای دو قید ذیل باشد، دلیل محرز شرعی نام می‌گیرد:

(الف) از شارع مقدس صادر شده باشد.

(ب) دلالت بر حکم شرعی داشته باشد.

مثل کلام خداوند سبحان، قرآن مجید، که دلیل قطعی الصدور از سوی شارع مقدس می‌باشد و مانند اخباری که از معصومین (ع) به وسیلهٔ نقل آحاد ثقه، به ما رسیده است که دلیل محرز شرعی ظنی الصدور می‌باشد.

قسم دوم: دلیل محرز عقلی

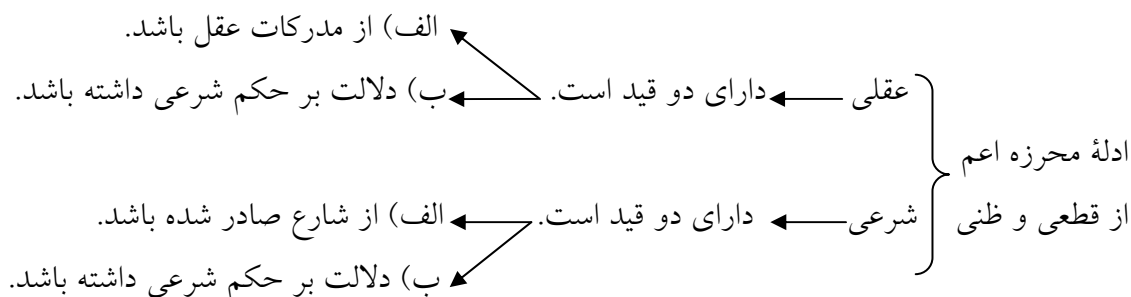
دلیل محرز عقلی دارای دو قید ذیل می‌باشد:

(الف) از مدرکات عقل باشد یعنی عقل آن را ادراک نماید.

(ب) استنباط حکم شرعی، از آن ممکن باشد.

مثل: «ایجاب یک فعل مستلزم ایجاب مقدمهٔ آن فعل است.» که دلیل قطعی عقلی می‌باشد و وجوب مقدمه را می‌توان از آن استنباط نمود. برای دلیل ظنی عقلی می‌توان قیاس را مثال زد که قیاس، یک دلیل ظنی فاقد حجیت است.

^۱ مرجع ضمیر: ادله.



تطبیق:

و الدلیل المحرز فی الفقه سواء كان قطعياً أو لا ینقسم إلى قسمین:

(در یک تقسیم بندی دیگر) دلیل محرز در فقه، چه قطعی باشد و چه ظنی، به دو قسم تقسیم می‌شود:

الأول: الدلیل الشرعی. و نغنی به: کل ما یصدر من الشارع ممّا له دلالة علی الحكم، ککلام الله سبحانه أو کلام المعصوم.

قسم اول: دلیل شرعی؛ مراد از دلیل شرعی هر چیزی است که از شارع مقدس صادر شده باشد و دلالت بر حکم شرعی داشته باشد. مانند کلام خداوند سبحان (قرآن مجید) و کلام معصوم (ع) (روایات)

الثانی: الدلیل العقلی. و نغنی به: القضايا التي یدرکها العقل و یمکن أن یستنبط منها حکم شرعی کالقضية العقلية القائلة بأن إيجاب شیء یتلزم إيجاب مقدّمته.

قسم دوم: دلیل عقلی؛ مراد از دلیل عقلی، قضایایی است که عقل، آن‌ها را درک می‌کند و استنباط حکم شرعی از آن ممکن باشد؛ مانند: قضیه عقلیه‌ای که می‌گوید: «ایجاب (واجب کردن) شیئی مستلزم ایجاب مقدمه آن شیء می‌باشد.»

Sco۲: ۱۶:۲۵

تقسیم دلیل محرز شرعی به لفظی و غیر لفظی

گفتیم که دلیل محرز بر دو قسم عقلی و شرعی می‌باشد حال می‌خواهیم تقسیمی برای ادله محرز شرعی بیان کنیم.

دلیل محرز شرعی، یا لفظی است؛ مثل: قول معصوم، یا از جنس لفظ نیست؛ بلکه از جنس فعل می‌باشد؛ مانند: فعل معصوم که غیر لفظی و به تعبیر دیگر، «لبی» به حساب می‌آید.

نکته: کلام معصوم شامل قرآن هم می‌شود، و قرآن هم کلام معصوم محسوب می‌شود؛ زیرا ما ارتباط مستقیم با خداوند متعال نداریم و کلام خداوند سبحان را به وسیله نقل معصوم (ع) دریافت نموده‌ایم. پس در واقع، راه ما به قرآن هم از طریق معصوم (ع) می‌باشد؛ لذا مصنف، قرآن را هم جزء کلام به حساب آورده است.

تقسیم دلیل غیر لفظی به فعل ابتدایی و تقریر معصوم (ع)

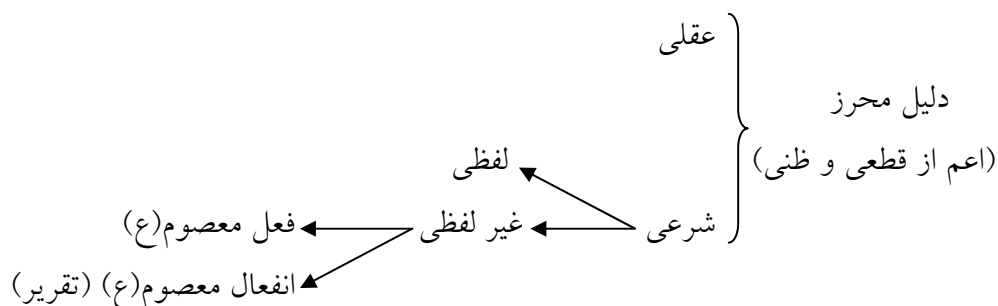
گفتیم دلیل شرعی غیر لفظی در فعل معصوم (ع) متجلی می‌شود که فعل معصوم (ع) خود بر دو قسم است:

قسم اول: فعل ابتدایی معصوم، یعنی گاهی خود معصوم (ع) فعلی را انجام می‌دهد.

۲. زیرا وظیفه عقل إدراک می‌باشد، و تعبیر از ادراک عقل به حکم عقلی تسامحی می‌باشد.

قسم دوم: انفعال معصوم (ع) یعنی در مقابل معصوم عملی صورت می‌گیرد و یا سخنی گفته می‌شود و معصوم (ع) با سکوت خود، این سخن و یا فعل را تأیید می‌نماید که به این قسم، «تقریر معصوم» نیز گفته می‌شود.

FG



تطبيق

و القسم الأول ينقسم بدوره إلى نوعين:

قسم اول (دلیل محرز شرعی) به نوبه خود به دو نوع تقسیم می‌شود:

أحدهما: الدليل الشرعي اللفظي، و هو كلام المعصوم كتاباً أو سنة.

یکی از آن دو نوع، دلیل شرعی لفظی است. دلیل لفظی، کلام معصوم (ع) است که یا در قالب قرآن مجید و یا در قالب سنت متجلی شده است.

و الآخر: الدليل الشرعي غير اللفظي، و يتمثل في فعل المعصوم سواء كان تصرفاً مستقلاً،

نوع دیگر، دلیل شرعی غیر لفظی می‌باشد که در فعل معصوم تجلی پیدا می‌کند؛ حال، چه فعل معصوم (ع) رفتاری مستقل باشد که از خود معصوم سر زده است

أو موقفاً امضائياً تجاه سلوك معين، و هو الذي يُسمى بالتقرير.

یا یک موضع امضایی از جانب معصوم (ع) در قبال رفتار و فعلی که در مسمع و منظر او اتفاق افتاده است می‌باشد و این موضع امضایی از جانب معصوم (ع)، آن دلیلی است که تقریر نامیده می‌شود.

Score: ۲۱:۵۶

سه بحث اساسی پیرامون دلیل شرعی

تا به این جا اقسام ادله محرزه بیان گردید حال می‌خواهیم محور مباحث آینده را بیان نماییم. اولین بحث ما در مورد ادله شرعی است که در آن، سه بحث اساسی ذیل را پیش رو خواهیم داشت:

مبحث اول: بحث از تعیین دلالت‌های عمومی دلیل شرعی، خواه این دلالت‌ها مربوط به ادله شرعی لفظی باشد؛ مانند: دلالت صیغه امر بر وجوب و دلالت صیغه نهی بر حرمت؛ یا مربوط به ادله شرعی غیر لفظی باشد. که در این بخش عده‌ای از ضوابط کلی برای دلالت، بیان می‌شود.

۳. یعنی: خود معصوم فعل خاصی را انجام دهد.

مبحث دوم: بحث از چگونگی احراز صدور یک دلیل از ناحیه شارع مقدس؛ زیرا ادله شرعی ادله‌ای هستند که از ناحیه شارع صادر شده‌اند، لذا برای اثبات شرعیت این ادله، اثبات صدور آن‌ها از جانب شارع مقدس، لازم و ضروری می‌باشد که در مبحث دوم، به دنبال چگونگی احراز صدور یک دلیل از سوی شارع مقدس هستیم.

به عبارت دیگر در مبحث دوم به دنبال ثبوت صغرای دلیل شرعی هستیم، زیرا هر دلیل شرعی از یک صغری و کبری تشکیل می‌شود. صغرای این دلیل، ثبوت صدور این دلیل از ناحیه شارع است. مثلاً وقتی راوی ثقه‌ای از امام صادق(ع) خبر می‌دهد که آن حضرت فرموده‌اند: «صلِّ» برای تشکیل یک دلیل شرعی نیاز به صغری داریم، این صغری عبارت است از: صدور روایت از امام صادق(ع) که اثبات صدور این روایت از امام صادق(ع)، اثبات صغری برای دلیل شرعی می‌باشد. پس صغرای دلیل شرعی می‌شود: «قد صدر عن الشارع الامر بالصلاة» که این صغری نیاز به یک کبری دارد و این کبری عبارت است از: «امر الشارع حجة في الوجوب». هر چند که این کبری نیز از یک قیاس دیگری حاصل شده است که عبارت است از این‌که:

صغری: امر، ظهور در وجوب دارد.

کبری: ظهور کلام مولا، حجت است.

نتیجه: پس امر مولا، حجت است.

در مبحث اول صغرای این قیاس مورد بررسی قرار می‌گیرد و در مبحث سوم که بیان خواهد شد، کبرای این قیاس مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبحث سوم: در این بحث به حجیت دلالت می‌پردازیم؛ به این معنا که آیا دلالت دلیل شرعی که از جمله آن‌ها همان دلالت‌های عامه‌ای است که در مبحث نخست مورد بررسی قرار می‌گیرد، حجت هستند یا نه؟

این فهرست مباحثی است که در بحث ادله محرز در پیش رو داریم، البته شهید صدر قبل از ورود در این مباحث ترجیح می‌دهند که چند قاعده عمومی در باب ادله محرز را مورد بحث قرار دهند که این قواعد الزاماً اختصاصی به ادله محرز شرعی ندارند و برخی از آن‌ها شامل ادله عقلیه نیز می‌شود.

FG

- | | | |
|--|---|--------------------------------|
| ۱. بیان چند قاعده عمومی در باب ادله محرز.
۲. تعیین دلالت‌های عمومی دلیل شرعی.
۳. بحث از چگونگی احراز صدور یک دلیل از ناحیه شارع مقدس (اثبات صدور دلیل از ناحیه شارع).
۴. بحث از حجیت دلالت‌های عمومی دلیل شرعی. | } | فهرست بحث در
ادله محرز شرعی |
|--|---|--------------------------------|

تطبیق:

و البحث في هذا القسم بكلا نوعيه تارة يقع في تحديد دلالات الدليل الشرعي،

بحث در دلیل شرعی به هر دو نوعی که دارد (لفظی و غیر لفظی)، در سه نقطه انجام می‌شود: گاه در تعیین دلالت دلیل شرعی می‌باشد.

و آخری فی ثبوت صغراه،

و گاه بحث در صغرای دلیل شرعی صورت خواهد گرفت؛ (یعنی اثبات صدور یک دلیل از ناحیه شارع).
و ثالثاً فی حجّیه تلك الدلالة ووجوب الأخذ بها. ففي الدليل الشرعیّ إذاً ثلاثة أبحاث.
و در مرحله سوم، بحث در حجیت دلالات دلیل شرعی و وجوب اخذ به آن دلالات، منعقد می‌شود. پس با این بیان، سه بحث اساسی پیرامون دلیل شرعی وجود دارد.
و لكن قبل البدء بهذه الأبحاث على الترتيب المذكور، نستعرض بعض المبادئ والقواعد العامة في الأدلة المحرزة^۱.
ولی قبل از شروع در این بحث‌ها (بحث‌های مربوط به دلیل شرعی) به ترتیبی که ذکر شد، برخی از مبادئ و قواعد عامه را پیرامون دلیل شرعی عرضه می‌نماییم.

Sco۴: ۳۴:۲۷

۱. این قواعد مختص به دلیل محرز شرعی نیست بلکه برخی از آن‌ها دلیل محرز عقلی را، نیز شامل می‌شود.

۱. ادله محرزه یا قطعی هستند و یا ظنی؛ که دلیل قطعی بر حجیت آنها اقامه شده است.
۲. ادله محرزه اعم از قطعی و ظنی بر دو قسم می‌باشد:
- الف) دلیل شرعی: یعنی دلیلی که اولاً دلالت بر حکم شرعی دارد و ثانیاً از ناحیه شارع صادر شده است.
- ب) دلیل عقلی: یعنی قضیه‌ای که عقل، آن را درک می‌کند و استنباط حکم شرعی از آن ممکن می‌باشد.
۳. دلیل محرز شرعی بر دو قسم می‌باشد:
- الف) دلیل لفظی: یعنی کلام معصوم (ع) که شامل قرآن و احادیث اهل بیت که ناقل کلام ایشان هست می‌شود.
- ب) دلیل غیر لفظی: یعنی دلیلی که در فعل معصوم تجلی می‌کند؛ خواه تصرف مستقل آن حضرات باشد، یا تقریر آن حضرات نسبت به فعل و یا قول دیگران.
۴. بحث در دلیل شرعی در سه محور اساسی منعقد می‌شود:
- الف) تعیین دلالت‌های دلیل شرعی.
- ب) اثبات صدور دلیل از ناحیه شارع.
- ج) بحث از حجیت دلالت‌های عمومی دلیل شرعی.